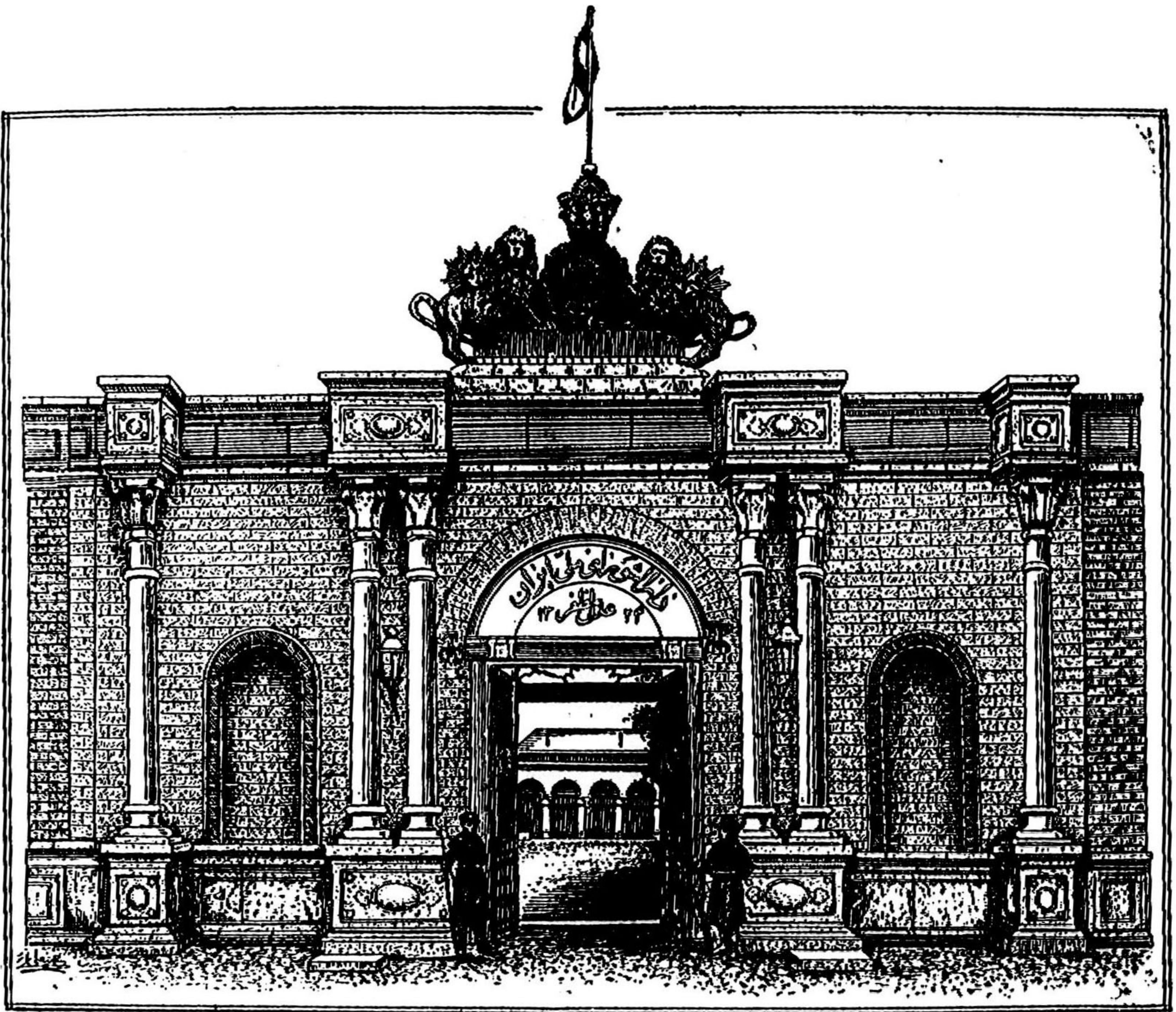


<p>جلسه ۵۳</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره نوزدهم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۲۲ دیماه ۱۳۰۵ مطابق ۸ رجب ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور اول نسبت بنجر کیسیون قوانین مالیه راجع بمنع ورود اشیاء تجملی از ماده دوم الخ و تصویب ورود در شور ثانی	۲۲۷	۲۳۵
۲	شور و مذاکره نسبت بنجر کیسیون بودجه راجع به متخصص پاستور از ماده اول	۲۳۵	۲۴۴



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه پنج شنبه ۲۲ دیماه ۱۳۰۵ مطابق ۸ رجب ۱۳۴۵

جلسه ۵۳

نایب رئیس -- آقای امامی
 امامی -- بنده را در صورت مجلس غایب بجا اجازه نوشته
 اند در صورتیکه قبلاً از مقام ریاست استجازه کرده ام.

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر ریاست آقای
 طباطبائی دیبا نایب رئیس تشکیل گردید)
 صورت مجلس روز سه شنبه بیستم دیماه را آقای
 ضیاء قرائت نمودند)

استدعا میکنم تحقیق و اصلاح شود

نایب رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - در جلسه گذشته بنده را غایب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه قبلاً از آقای رئیس اجازه خواسته بودم.

نایب رئیس - اصلاح میشود. آقای عصر انقلاب. میرزا آقاخان (عصر انقلاب) - آقای دشتی را هم در صورت جلسه غایب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه توسط خود بنده اجازه خواسته بودند و مریض هستند نایب رئیس - آقای حقنویس

حقنویس - بنده را هم غایب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه استجازه کرده بودم

نایب رئیس - اصلاح میشود. در صورت مجلس اعتراضی نیست؟

(گفتند خیر)

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد

لایحه منع ورود اشیاء نجملی از ماده دوم مطرح است. (ماده مزبور بشرح آتی خوانده شد)

ماده دوم - نظامنامه اجرای اینقانون و تشخیص اشیاء ممنوعه و تعیین میزان حق الورود را وزارتین مالیه و فواید عامه متفقاً تهیه نموده بتصویب هیئت وزراء میرسانند که در ظرف یکماه از تاریخ تصویب اینقانون بموقع اجرا گذاشته شود و کلیه اشیاء ممنوعه که از تاریخ اعلان و انتشار نظامنامه مزبوره بموجب بار نامه رسمی از محل ارسال حمل نشده باشد مشمول این قانون خواهد بود.

فهیمی (مخبر کیسیون قوانین مالیه) - اجازه میفرمائید؟ يك اشتباهی در طبع این لایحه شده است و آن این است که جمله (کلیه اشیاء ممنوعه بگفته بعد از تاریخ اعلان انتشار) باید باشد کلمه (بگفته) را باید علاوه نمایند اینطور میشود: بگفته بعد از تاریخ

اعلان و انتشار نظامنامه بموجب بار نامه رسمی از محل ارسال حمل نشده باشد مشمول اینقانون خواهد بود. نایب رئیس - آقای یاسائی.

یاسائی - چند سال است در این مملکت این فکر پیدا شده است که بالاخره این زندگی نجملی ملت ایران را یقیناً سوق خواهد داد به بدبختی در جلسه گذشته بنده نبودم و آقایان بنوبه خود يك اظهارانی کرده بودند ولی در این ماده هم يك عبارتی هست که حق میدهد بنده هم مخالفت خودم را عرض کنم، اینجا نوشته اند: نظامنامه اجرای اینقانون و تشخیص اشیاء ممنوعه و تعیین میزان حق الورود را وزارتین فواید عامه و مالیه تهیه نموده بتصویب هیئت وزراء میرسانند. مخالفت بنده با تعیین میزان حق الورود است. بالاخره اگر ما بیکدردی دقیق بشویم و قضیه را از نقطه نظر جامعه ایران قضاوت کنیم این لایحه منفعت که ندارد هیچ، مضراتی هم دارد، زندگی نجملی که از چندین سال قبل باب شده است (وبالاخره تشکیلات حکومتی و مامورین دولت این زندگی را باب کرده اند) موجب بدبختی ملت ایران شده است. این را از هر جا جلوگیری نکنیم بمنفعت ابراست و اگر جلوگیری نکنیم هرچه عایدی زیاد شود، صادرات زیاد شود، و هرچه پول و ثروت در این مملکت زیاد شود، بالاخره تکافؤ نخواهد کرد با مخارجیکه این مردم بنا گذاشته اند، بالاخره دخل و خرج ملت را باید يك نظارت کاملی درش کرد، بودجه دخل و خرج دولت را ما باید در تحت نظر بگذاریم و دولت و حکومت هم باید مراقب باشد و احصائیه های کمکی را تحت نظر و مطالعه در آورد و بودجه دخل و خرج ملت را تشخیص بدهد که به بینیم آیا موازنه و تناسبی دارد یا نه؟ در سابق این زندگی نجملی معمول نبود، يك عوایدی مردم بفرآخور زندگی خودشان و اقدامات خودشان داشتند، فلان مالک، زارع، ناچر، کاسب، يك عواید محدودی داشت و با قناعت بيك ترتیب خاصی زندگی میکرد و دخل و

خرجش هم نااندازه تکافؤ میکرد ولی از چندی باینطرف که اشیاء لوکس و نجملی سيل وار از اروپا بسمت ایران متوجه شده است این موازنه دخل و خرج مردم را هم زده است و حس تقلید و رقابت و چشم و هم چشمی مردم را و ادار باین قسم زندگی کرده است و بالاخره این نوع زندگی را برای خود انتخاب کرده اند، از چند سال باینطرف این قضیه (بنده خوب مطالعه کرده ام) در طهران زندگی نجملی معمول شده بود و خورده خورده مأمورین دولتی این وضع زندگی را بعنوان سوقات بولایات برده اند و در اینجا هم معمول شده است، و بالاخره این وضع بدهات هم میرسد و اگر دهقان با زندگانی نجملی آشنا شد تصدیق نمایند که دیگر معلوم نیست از چه ترتیبی و چه راهی میشود جلوگیری کرد، وقتی کسی زندگانی نجملی را برای خودش انتخاب کرد و انس گرفت تصدیق میفرمائید که رها کردنش هم مشکل است. بنده خوب در نظر دارم فلان ناچر در یزد يك عمر به يك ترتیبی زندگی میکرد و بالاخره يك قبای بدکی تهیه می کرد و میپوشید پول هم داشت و کارشان هم خوب بود ولی از وقتیکه قبای قدک بقبای فاستونی و چیزهای دیگر تبدیل شده است هر روز صدای ورشکستگی از همان طبقه بلند است، همینطور مالکین، بالاخره این مالک وقتی قناتش مخروبه شد عوائد آن ملک را در سال قبل بمصرف زندگی نجملی رسانده و دیگر هیچ چیز پس انداز نکرده، ذخیره نکرده برای روز مباداش. در تمام طبقات مختلفه این مملکت اگر دقیق بشوید خواهید دید بواسطه آشنا شدن بزندگی نجملی همه دارند ورشکست میشوند و هرچه عایدات زیاد بشود باین ترتیب زندگی و اینطور مخارج بجائی نخواهد رسید، بعضی آقایان که بنده با ایشان مذاکره میکردم می گویند که باید عوائد را زیاد کرد

يك نفر از نمایندگان - این حرفها راجع بماده

دوم نیست

نایب رئیس - آقای یاسائی راجع بماده دوم بفرمائید

یاسائی - راجع بماده دوم است و راجع بمیزان حق الورود و تشخیص اشیاء ممنوعه، بنده عرض میکنم اشیاء نجملی اصلاً نباید وارد شود و باین انس که مردم گرفته اند (مخصوصاً مردم طهران) اشیاء نجملی هرچه عوائد زیاد بشود و هرچه ثروتمان را زیاد کنیم باز جلوگیری نخواهد شد و ناگزیریم تا يك حدی تقلیل نمائیم در این زندگانی نجملی خودمان تا در آئینه موفق شویم با ایجاد يك ثروتهائی بلکه يك توازن و موازنه و تقریباً يك تناسبی پیدا شود و این لایحه بجای اینکه تقلیل بکند این وضعیت را یعنی کم بکند واردات را و جلو گیری از زندگی لوکس و نجملی بکند بیشتر ضرر متوجه میکند بهمان طبقه که آشنا شده اند به زندگی نجملی و بالاخره شما اختیار میدهید بدولت که میزان حق الورود را مجاز باشد معین کند. در ماده اول نوشته اند، که صدی صد مالیات نجملی نمایند. نمیدانم مقصود همان است یا مقصود چیز دیگری است. اگر مقصود تعیین میزان حق الورود و صدی صد است دیگر بنظر دولت گذاشتن بمعبد بنده تناقض دارد چون در ماده اول تصریح شده است صدی صد مالیات به بندگان و اجازه بدهند وارد شود ولی در این ماده میگوید تعیین میزان حق الورود با وزارتین مالیه و فواید عامه باید باشد. در ماده اول يك عبارتی دارد و مینویسد بعلاوه حقوق کمکی فعلی جمعاً نباید از يك برار قیمت جنس تجاوز کند. بگطرف قضیه که مسلم است در هر حال بنده این لایحه را باین ترتیب مضر میدانم و همچو اختیاری را نمیتوانم رای بدهم بدولت داده شود که بوضع يك مالیاتهای سنگینی از ورود اشیاء نجملی جلوگیری کنند برای اینکه عملاً ثابت شده است که جلوگیری نخواهد شد و هیچ نتیجه از این لایحه نمی گیریم و چاره نیست جز اینکه رای بدهیم که بکلی اشیاء لوکس و نجملی ممنوع شود و هیچ وارد نشود و

و اگر غیر از این باشد این لایحه مضر است.
جمعی از نمایندگان - صحیح است.

مخبر - بنده اهمیت این ماده دوم را خیلی بیشتر از ماده اول میدانم و بلکه میتوانم عرض کنم که اگر ماده دوم بطوریکه نوشته شده است کاملاً مجری شود تمام نظریات و ملاحظاتی که آقایان در ماده اول داشتند نامین خواهد شد. این را هم عرض کنم که آقای یاسائی داخل مذاکره در کلیات و ماده اول شدند در صورتیکه موضوع محالاً ماده دوم است و الا جواب يك قسمت از فرمایشات ایشان که برروز گفته شده میباشد تکرار شود. حالا بنده در این مسئله زیاد داخل نمیشوم - همینقدر عرض می‌کنم که میزان صدی صد که معین شده شده است نه برای کلیه اجناس است. نسبت بجنس و نسبت بکمی و زیادی آن تفاوت میکند زیرا نگفته اند تعرفه گمرکی کلیه اشیاء بطور مطلق صدی صد باشد بلکه اشیائی که اطلاق تجملی بآنها میشود و اشیائی که برای زندگانی غیر لازم است و اشیائی که در داخله ممکن است تهیه شود اینها بیک نسبتی کمتر یا بیشتر ممکن است محتاج باضافه تا کس بشود ولی تشخیص این تا کس با هیئت دولت یا يك کمیسیون مرکب از اشخاص صلاحیت داری که بتوانند خوب تشخیص بدهند زیرا واگذار نمودن این مسئله با احساسات و برعوبیت از هو و جنجال ممکن است ضرر هائی ب مردم و افراد بزند. ما میخواهیم در این لایحه و در نتیجه این کار يك منافی از برای مملکت و مردم بعد از نظر بگیریم. در عین حال باید متوجه باشیم که از راه دیگر يك ضرر هائی بآنها وارد نکنیم. زیاد کردن نرخ اجناس. نداشتن ضروریات زندگانی مخصوصاً برای طبقاتی که کاسی و تجارت ندارند مثل طبقه نوکریاب و سایرین باید ملاحظه فرمائید آنها را بکجا میکشاند و بالاخره دولت باید اجازه داشته باشد که در این مسئله کار بکند و باید تصدیق فرمائید در این مدتی که دولت این لایحه را بمجلس آورده است چون هنوز يك پیش بینی برای اینکار نکرده است

در بازار اگر آقایان تحقیق کرده اند میدانند معاملات خیلی سنگین راجع باجناسی که اطلاق تجملی بآنها میشود دارند میکنند. این برای چیست. برای این نیست که ببرند دور بریزند برای این است که فردا به بنده و جنابعالی بیک قیمتهای گزاف تری بفروشند از طرف دیگر بنده اطلاع دارم کار خانه کبریت سازی آذربایجان اگر خوب راه بیفتد میتواند کبریت قسمت عمده مملکت را بدهد ولی مدتها است که بوزارت فوائد عامه پیشنهادهائی کرده اند برای مساعدتهائی که باید باو بشود و هنوز بمجلس نیامده است. اینها کار هائی است که دولت باید بکند تا در داخله مملکت يك مال التجاره ها و اجناسی راه بیفتد و بتوانند با امتعه خارجی رقابت کنند فقط بصرف جلوگیری از ورود امتعه با زیاد کردن تا کس مملکت را نمیشود مجبور کرد که حکما بیک زندگانی خیلی پست کشتی بگذرانند و يك مخارج گزافی را هم متحمل شود. عرض کردم باید این نظامنامه در هیئت وزراء نوشته شود و ترتیب اینکار تعیین شود. چون غالباً آقایان محترم شاید نمیتوانند درست تشخیص بدهند چیز هائی که باید ممنوع شود یا نشود. بطور مثال عرض میکنم پیشنهادی که آقای شیروانی کردند و داده بودند به هیئت رئیسه يك اشیائی را نوشته بودند البته بکسمت عمده از آنها بیک چیز هائی است که باید ممنوع شود. ولی در ضمن آن گوسفند هم بود. البته بطور کلی ما هم میگوئیم در مملکت هائی که رمه زیاد است ورود گوسفند از خارجه معنی ندارد اما این گوسفندی که می آورند گوسفندی نیست که شما خیال کنید گوسفند فرنگی یکی از نجملات است در سرحدات ما غالباً عشائری هستند که رمه دارند و اینها رمه شان را به بیلاق و قشلاق میبرند. مراتعشان غالباً آن طرف سرحدات است در ایام بهار میبرند بمراتعشان بعد از پنج شش ماه مجدداً رجعت میدهند. در موقع رفتن جزء صادرات محسوب میشود و در موقع مراجعت جزء واردات. نمیشود اینرا ممنوع داشت بر فرض که از يك

جائی هم از همان ایلات سرحدی خارجی گوسفند میآورند. این برای همان مصرف محلی است. در تعرفه گمرکی مقداری برنج از سرحد وارد میشود. البته آقای دادگر ممکن است بواسطه تعصب نمایندگی مازندران بفرمایند لازم نیست وارد شود ولی این برنج در کجا وارد میشود؟ در حدود جنوب که از هندوستان میآورند و بقیمت ارزان هم میفروشند متأسفانه ما هم وسایلی نداریم که بتوانیم برنج مازندران را بقیمت ارزان بآنها برسانیم. در هر صورت این بدیهی است که هر وقت ما بتوانیم يك جنسی را بیک قیمت مناسبی برای اهالی تهیه کنیم اعم از البسه یا اغذیه یا امثال آنها هیچوقت برای لوازم زندگانیشان متوسل باشیاء خارجه نمیشوند. این است که عرض میکنم باید دولت با کمال دقت از اشخاص مطلع امر مشورت کند و يك قسمت از اشیاء را که اطلاق تجملی صرف بآنها میشود (نه از نقطه نظر فکر اشخاص بلکه از نقطه نظر همان اشیائی که هیچ لزومی ندارد) آنها را ممنوع بدارد یعنی چیز هائی که برای زندگانی ضرورت ندارد از قبیل اسباب بازی و این قبیل چیزها که بالاخره اگر بچه های ما با این اسبابها بازی نکنند بنده ضرات میکنم که بزرگ شوند و تحصیل هم بکنند و هیچ عیبی هم نکنند ولی در يك قسمت دیگری که میباشد در مقام رقابت با امتعه خارجی برآیند و محل احتیاج و ضرورت است اینها را باید با يك دقتی ملاحظه نمایند که هم طبقاتی که مصرف کننده هستند تحمیلاتی وارد نشود و هم بکسانی که کاسیدشان از این راه میشود ضرری نخورد باید فکر اینها را هم کرد در مملکت ما هنوز شغل نیست هنوز تجارت نیست نباید بکمرتبه درب تجارت و کاسی را بروی مردم بکلی بست و بیک طبقه دیگر هم بطوری تحمیل کرد که نتوانند زندگانی کنند. این است که تعیین نظامنامه را بعهده هیئت دولت واگذار کرده اند و دولت باید این آزادی را داشته باشد. نه برای یکسال و نه برای یکدفعه و با عریاضی که در جلسه قبیل شد هیئت دولت

باید همیشه و هر سال واردات و صادرات را تحت نظر داشته باشد و بتواند بتعرفه گمرکی عمل بکند و بالاخره این منظور مخالف میل دولت و ملت واقع نشود جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است دادگر - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم نایب رئیس - بفرمائید

دادگر - البته لوایحی که بمجلس میآید همه مفیدند ولی بعضی لوایح بقدری مهم است که بایستی در اطرافش بیشتر بحث شود. مثلاً این لایحه تجملی يك لایحه ایست که سالها است درش اظهار علاقه میشود و بعقیده بنده این لایحه اجمال و ابهام دارد و هیچ هم مفید نیست زیرا مالیات صدی درصد است و باید در این باب مذاکراتی بشود و يك توضیحاتی داده شود تا مطالب کاملاً روشن شود. نایب رئیس - آقای روحی

روحی - عرض میکنم این لایحه دو شوری است و بنده تصور میکنم مذاکراتی که بعد از مطالعات درین لایحه بعمل میآید در شور دوم است و ممکن است آقایان هر نظری که دارند پیشنهاد بفرمایند و بفرستند به کمیسیون اگر کمیسیون صلاح دانست قبول میکند و اگر قبول نکرد در شور دوم آقایان میتوانند مشروحاً اظهاراتی بفرمایند و مقصود این است که زودتر این کار بگذرد

دادگر - بنده اخطار نظامنامه دارم

نایب رئیس - بفرمائید

دادگر - البته بنده هم میل دارم که فرمایشات آقای روحی را گوش بدهم ولی این سابقه میشود زیرا در کفایت مذاکرات تنها يك نفر باید صحبت کند. فقط مقصودم این است که سابقه نشود این مطلب در نظر آنان باشد.

نایب رئیس - در نظامنامه همچو تصریحی نیست ولی معمولاً اینطور است که فرمودید رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(عده‌ای قیام نمودند)

نایب رئیس - معلوم می شود کافی نیست. آقای دادگر

دادگر - ماده دوم این است که دولت تنظیم لایحه‌ای بکند که در آن لایحه اشیاء تجملی تعداد داشته باشد و این مولود از ماده اول است یعنی اگر در مجلس شورای ملی اشیاء تجملی تشخیص نشود آنوقت در بکجای دیگری که صلاحیت دارد باینکار اقدام کنند ولی در روز که ما بحث میکردیم گفتیم و صدای اکثریت مجلس هم این بود که اشیاء تجملی در اینجا تعدادش در این متضمن مصالحی است که اشیاء تجملی در اینجا تعیین شود زیرا معلوم نیست که اگر این لایحه ازین کریاس بیرون رفت درست انجام بگیرد و بموانع برخورد ولی مجلس شورای ملی حر است و آزاد است و هر چه بخواهد میکند و بموانع هم توجه زیادی نمیکند و بالاخره این مسئله باید در اینجا تنظیم شود. چنانکه گفته شد که در احصائیه گمرکی اشیاء تجملی تعداد شده است بعلاوه اخیراً هم که بانجار مذاکره کردم گفتند که يك عده ای از بنجار جوان هم يك صورت جامعی از اشیاء تجملی تنظیم کرده اند که آن هم برای تذکر و سابقه خیلی نافع است و بکحرفهائی هم میزدند که حسابی است میگفتند تجمل يك امر اعتباری است که در بعضی موارد بيك اشیائی اطلاق میشود. ممکن است بعضی اشیاء در بعضی موارد اطلاق به تجملی بشود و در بعضی موارد نشود ولی در مملکت ما احتیاجات اقتصادی بقدری زیاد است که باید توسعه نظر داشت و بعضی اشیاء را هم که شاید آقایان صلاح میدانستند صد درصد مالیات بر آنها افزوده شود اصلاً بکلی از ورود ممنوع شود و بنده خیال میکنم که باید کمیسیون قوانین مالیه با رعایت همان احصائیه گمرکی و صورتی که بنجار جوان تهیه کرده اند اشیاء تجملی را شماره کنند و بیاورند اینجا ما تصویب کنیم و دولت را مأمور اجرائش نمائیم که بحالت تعلیق نماید عرض دیگر اینکه

لازم بود تذکر بدهم و از موقع استفاده میکنم این است که در اینجا دو چیز در اطراف این قضیه تولید شده است که از خود قضیه دارد مهمتر میشود و آن این است که بعضی از بنجار نخبه‌های خارجی و بعضی از بنجار داخلی مطابق مسموع شروع کرده اند بکماند دادن و خریداری مقدار زیادی اشیاء تجملی و این نقض غرض است ما میخواهیم آینده بعید را تأمین کنیم در صورتیکه آینده نزدیک را فوت میکنیم... بنده توجه آقای وزیر فواید عامه و مالیه را جلب میکنم باینکه فوراً پیدش بینی هائی بکنند که این ضرر طاری و این ضرر نوبه مملکت وارد نشود. قضیه دیگری هم که باز توجه آقایان را جلب میکنم که کار وزارت داخله و بلدیه است این است که يك ضرر دیگری هم برای مردم تولید شده است و آقای فهیم الملك آقای مخبر هم اشاره کردند...

بکنفر از نمایندگان - فهیمی

دادگر - بلی آقای فهیمی زیرا از شایعه منع اشیاء تجملی قیمت اجناس تجملی بالا رفته است و مردم یعنی طبقه دوم و سوم در مضیقه افتاده اند و باید در این خصوص بلدیه را خواست و جلب نظرش را کرد که این مسئله را تعدیل نماید. علی‌ای حال ایندو تذکر اجمالی بایستی بدولت داده شود. دیگر اینکه اشیاء تجملی بایستی در کمیسیون قوانین مالیه شماره شود و آن چیزی که لازم و ضروریست تعداد شود و پیشنهاد هم شده است و باید این قضیه در اینجا ختم شود و ما مخالف هستیم که دولت مطابق يك نظامنامه مخصوصی اینکار را بکنند و این نظریه ای که ما اظهار کردیم بحمايت دولت است نه بر علیه دولت یا انتقاد از دولت این است که این عقیده را اظهار کردیم. حالا بسته است بنظر مجلس

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

نایب رئیس - پیشنهادات قرائت میشود

(آقای نایب رئیس پیشنهادات را يك يك اعلام نموده و بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای عمادی: بنده پیشنهاد میکنم که جمله و تعیین میزان حق ورود را از ماده دوم بکلی حذف نمایند پیشنهاد آقای امیر تیمور: ماده دوم را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

ماده ۲ - نظامنامه اجرای این قانون را وزارتین فواید عامه و مالیه تهیه و بتصویب کمیسیون قوانین مالیه رساننده و از تاریخ تصویب این قانون بموقع اجرا گذاشته می شود پیشنهاد آقای فیروز آبادی: بنده پیشنهاد میکنم که ماده دوم باینقسم اصلاح شود.

ماده دوم - نظامنامه اجرای این قانون و تشخیص اشیاء ممنوعه را وزارتین مالیه و فواید عامه با نظریه پنج نفر از بنجار این شهر که انتخاب شود بتوسط شورای عالی تجارت و معرفی بهیئت وزراء بشوند مذاکره و مشاوره نموده تهیه نموده و بتصویب هیئت وزراء رساننده که در ظرف يك ماه از تاریخ تصویب این قانون بموقع اجرا گذاشته شود.

پیشنهاد جمعی از آقایان پیشنهاد میکنم ماده دوم این نوع اصلاح شود.

وزارت مالیه و فواید عامه مأمورند که نظامنامه منع ورود اشیاء تجملی را تدوین نموده پس از تصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس بموقع اجرا گذارند

خطیبی - ملک مدنی - یعقوب الموسوی - عمادی

پیشنهاد آقای دکتر سنگ: بنده پیشنهاد میکنم در جزء اشیاء تجملی ممنوع ورود کفش و بوتین هم در نظامنامه اجراء ضمیمه شود.

پیشنهاد آقای کی استوان: ماده دوم حذف شود و کمیسیون صورت اشیاء مذکوره ماده يك را به مجلس تقدیم نماید

پیشنهاد آقای فرمند: بنده پیشنهاد میکنم که از ماده دوم از قسمت « و تعیین میزان حق ورود » حذف شود پیشنهاد جمعی از آقایان نمایندگان پیشنهاد میکنم

ماده دوم بطریق ذیل نوشته شود.

ماده دوم - نظامنامه اجرای این قانون و تشخیص اشیاء ممنوعه را وزارتین مالیه و فواید عامه متفقاً تهیه نموده بتصویب هیئت وزراء و کمیسیون فواید عامه و قوانین مالیه رساننده در ظرف يك ماه از تاریخ تصویب این قانون بموقع اجرا گذاشته شود و کلیه اشیاء ممنوعه که از تاریخ اعلان و انتشار نظامنامه مزبور بموجب بار نامه رسمی از محل ارسال حمل نشده باشد مشمول این قانون خواهد بود.

محقق شیرازی - ذوالقدر - علی زارع

پیشنهاد آقای بهبهانی: پیشنهاد میکنم ماده دو بطریق ذیل اصلاح شود

ماده ۲ - نظامنامه اجراء این قانون را وزارتین مالیه و فواید عامه نایکماه از تاریخ تصویب این قانون تنظیم و تصویب و اعلان نمایند

تبصره - کلیه اشیاء ممنوعه که از تاریخ اعلان و انتشار نظامنامه مزبوره در ماده فوق بموجب بار نامه رسمی از محل ارسال حمل نشده باشد مشمول این قانون خواهد بود.

پیشنهاد آقای احتشام زاده: بنده پیشنهاد میکنم ماده دو بطریق ذیل اصلاح شود

ماده دوم - نظامنامه اجرای این قانون و تشخیص اشیاء تجملی که ورود کلیه آنها ممنوع است و تعیین مقداری از اشیاء غیر لازم و اشیائی که در داخله مملکت بحد کافی تهیه نمیشود و با حق ورود ممکن است اجازه ورود داده شود و تعیین میزان حق ورود آنها با موافقت نظر وزارتین مالیه و فواید عامه تهیه و بتصویب کمیسیونهای مالیه و فواید عامه مجلس میرسد و بفاصله يك ماه از تاریخ تصویب قانون بموقع اجرا گذارده میشود و کلیه اشیاء ممنوعه که قبل از تاریخ اجرای قانون بموجب بار نامه رسمی یا مدارک دیگر از محل حمل شده باشد مشمول این قانون نخواهد بود.

پیشنهاد آقای نظامی: بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم

بطریق ذیل اصلاح شود:

ماده دوم - نظامنامه اجرای این قانون و تشخیص اشیاء ممنوعه و تعیین میزان حق ورود که جمعاً نباید از نصف قیمت جنس کمتر و از يك برابر قیمت جنس بیشتر باشد وزارتین مالیه و فواید عامه متفقاً تهیه نموده بتصویب هیئت وزراء میرسانند الی آخر

پیشنهاد آقای حشمتی: ماده دوم را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

صورت اشیاء ممنوعه و نظامنامه اجرای این قانون را هیئت دولت با نظر متخصصین تنظیم نموده و کلیه اشیاء ممنوعه از یک هفته بعد از تاریخ اعلان و انتشار نظامنامه مزبوره بموجب بارنامه رسمی از محل ارسال حمل نشده باشد مشمول این قانون خواهد بود

پیشنهاد آقای زوار: بنده پیشنهاد میکنم نظامنامه منع اشیاء نجمی را فقط وزارت فواید تدوین نماید چون از وظیفه وزارت مالیه خارج است.

پیشنهاد آقای عصر انقلاب: بنده پیشنهاد میکنم نظامنامه اجرای این قانون را وزارتین مالیه و فواید عامه با تصویب کمیسیون فواید عامه و قوانین مالیه بموقع اجرا بگذارند

پیشنهاد آقای نظام مافی: پیشنهاد مینماید: در قسمت موعد اجرای قانون نوشته شود

این قانون نسبت باشیائی که بکلی ممنوع است یکماه بعد از تاریخ تصویب و نسبت باشیائی که با حق ورود اجازه ورود داده میشود يك هفته بعد از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذارده میشود.

پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات: پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل علاوه بر ماده دوم

تبصره - اشیاء ممنوعه را باید وزارت فواید عامه و وزارت مالیه با نظر کمیسیون مربوطه مجلس تعیین نماید

پیشنهاد آقای بالیزی: بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم قبل از کلمه نظامنامه اضافه شود: دولت صورت جامعی

از کلیه اشیاء نجمی تهیه و برای اطلاع خاطر نمایندگان به مجلس شورای ملی تقدیم می نماید
پیشنهاد آقای ثابت: ماده دوم را بترتیب ذیل پیشنهاد می نمایم.

ماده دوم - تعیین میزان حق ورود را وزارتین مالیه و فواید عامه متفقاً تهیه نموده و بمجلس شورای ملی لایحه آن را تقدیم و پس از تصویب در ظرف یکماه از تاریخ تصویب اینقانون و انتشار نظامنامه و تعیین و تشخیص اشیاء نجمی بموقع اجرا گذاشته میشود

تبصره - تاریخ اعلان و انتشار نظامنامه مزبوره بموجب بارنامه رسمی از محل ارسال حمل نشده باشد مشمول این قانون خواهد بود.

پیشنهاد آقای جمشیدی: چون بنده در ماده اول پیشنهاد کرده ام که صورت اشیاء ممنوعه را دولت بمجلس بدهد و همچنین از کله ولی به بعد در ماده اول حذف شود لذا ماده دوم را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم

ماده دوم - نظامنامه اجرای این قانون را وزارتین مالیه و فواید عامه متفقاً تهیه نموده بتصویب هیئت وزراء میرسانند الی آخر

پیشنهاد آقای دکتر طاهری: پیشنهاد میشود ماده دوم اینطور نوشته شود صورت اشیاء نجمی و غیر لازم را که ممنوعه ورود خواهند شد وزارتین فواید عامه و مالیه با توافق نظر کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی معین خواهند نمود

پیشنهاد آقای حقنویس: بنده پیشنهاد میکنم که بعد از گذاشته شود نوشته شود که و کلیه اشیاء ممنوعه که از تاریخ طرح این قانون مبادرت بخیرید آن شده است مشمول این قانون خواهد بود

ماده الحاقیه: پیشنهاد آقای حائری زاده بنده ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد مینمایم

ماده الحاقیه - اشیائیکه در داخله مملکت بقدر رفع حاجت ممکن است تهیه بشود (از قبیل ملبوس)

و از خارج وارد نمایند مشمول ماده اول خواهد بود
ماده الحاقیه عده ای از آقایان نمایندگان: چون یکی از قسمتهایکه در لایحه اشیاء نجمی پیش بینی شده است اشیائی است که در داخله مملکت تهیه میشود این است که ماده الحاقیه را پیشنهاد مینمایم

ماده الحاقیه کلیه اقسام کفش و پوئین هائیکه از خارجه وارد میشود پس از تصویب این لایحه باید ممنوع ورود باشد
ماده الحاقیه پیشنهاد آقای فرمند: ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم

ماده الحاقیه - دولت مکلف است کلیه مال التجاره هائیکه از خارج وارد میشود انحصار خرید و فروش آنها را بخودش بدهد بمدت سه سال

تبصره - اشخاصیکه میخواهند مال التجاره وارد نمایند باید مطابق همان قیمت مال التجاره صادر نمایند ناآنکه بانها جواز ورود و فروش داده شود.

ماده الحاقیه پیشنهاد آقای عدل:
ماده الحاقیه را پیشنهاد میکنم يك خمس از عایدات حاصله از این محل صرف جایزه (بری) کارخانجات موجوده در داخله ایران خواهد شد

ماده الحاقیه پیشنهاد آقای دکتر طاهری: ماده الحاقیه اول - این قانون پس از تصویب فوراً بموقع اجرا گذاشته خواهد شد

ماده الحاقیه دوم: وزارتین مالیه و فواید عامه مامور تهیه نظامنامه و اجرای این قانون هستند

شیروائی - تنفس
(بعضی از نمایندگان صحیح است)

نایب رئیس - اگر آقایان اجازه فرمایند چند دقیقه تنفس داده شود.

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً ریاست آقای طباطبائی دیب نایب رئیس تشکیل گردید)

رهما (معاون وزارت فواید عامه) - اجازه می فرمائید؟

نایب رئیس - عده برای مذاکرات کافی نیست.
(چند نفر از نمایندگان وارد شدند)

نایب رئیس - (خطاب بمعاون وزارت فواید عامه) فرمائید معاون وزارت فواید عامه - میخواستم از آقایان نمایندگان محترم تقاضا کنم که چون تمام آقایان مؤسسه باستور که اساساً کار او سرم سازی و واکن ساز است علاقه مندهستند و این مسئله در حفظ الصحه عمومی مؤثر است يك لایحه که چندی قبل راجع بمؤسسه باستور تقدیم شده است راپرتش هم از طرف کمیسیون مربوطه حاضر شده است دو ماده هم بیشتر نیست استدعا میکنم این لایحه جزو دستور گذاشته شود که کارش در مجلس شورای ملی هم انجام داده شود.

و استدعا میکنم در درجه اول جزو دستور باشد.

نایب رئیس - آقای وزیر مالیه، فرمایشی داشتید؟
وزیر مالیه - بلی بنده در باب لایحه اشیاء نجمی خواستم يك تذکری بدهم و عرض کنم که این مسئله اهمیتی که دارد البته دولت هم در شور دوم نظریات خودش را عرض خواهد کرد ولی همان طوری که آقای دادگر فرمودند و دولت هم متوجه است تأخیر این مسئله تولید يك پیشآمد های نامناسبی خواهد کرد (نمایندگان صحیح است) همینطور که ملاحظه فرمودید بعضی ها بیک اقداماتی دست زده اند که این اقدامات مضرات (نمایندگان - صحیح است) این است که بنده استدعا میکنم حالا که این لایحه قانونی شور اولش در مجلس تمام شده و بکمیسیون رفته حتی المقدور هرچه زودتر ترتیب شور دوم این لایحه را بدهند که بلکه در ظرف سه چهار روز این کار بگذرد اقدامی که لازم است دولت بکنند.

فهمی (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) - پس خوب است برای ورود در شور ثانی هم رأی گرفته شود که این پیشنهادات برود بکمیسیون و در آنجا درش دقت شود و راپرتش تهیه و تقدیم مجلس بشود.

نباید نقطه نظرمان صرفه جوئی و تقلیل در مخارج باشد برای اینکه متخصصین بزرگ در اروپا هم گران هستند و اینکه آقای عراقی فرمودند که برای این شخص جنبه مدیر کلی قائل شده اند. اینها لازمه حسن جریان امور اداری است. و باید مدیریت هم داشته باشد که بتواند آنجا را اداره کند و این مطلب واضح است که ما تا بیک اختیاری بیک نفر مستشاری که میآوریم ندهیم او هیچ کاری نمیتواند بکند چنانچه بنده اطلاع دارم دکتر منار را که برای انستیتو پاستور آورده بودند خیلی متخصص خوب بود و خیلی فوق العاده دلسوز بود و جدیت کاملی هم در کار خودش داشت ولی بواسطه یک مساعدتهای کوچکی که از نقطه نظر مالی لازم بود با ایشان بشود و نشد این بود که انستیتو پاستور نتوانست بجزایان فنی خودش ادامه بدهد و همین واسطه هم بود که دکتر منار رفت و هر چه هم اصرار کردند نباید دیگر نیامد. چون دید اینجا معطلش میکنند. حالا هم بنده معتقدم که هم باید حقوق خوبی بدهیم و هم متخصص خوبی بیاوریم و هم باو اختیارات بدهیم و هم باو اعتبار کافی بدهیم که بتواند در مواقع فوری از آن اعتبار خودش استفاده کند و جلو خطر را بگیرد بنده اطلاع دارم در بعضی مواقع انستیتو پاستور برای بیست تومان بیست و پنج تومان معطل بود و نمیتوانست کاری کند و همین مسئله بعد اسباب زحمت میشد. اینها یک چیز هائی است که ما باید دقت کنیم و توجه داشته باشیم و نظر کنیم که حسن جریان انستیتو پاستور از چه قرار است و چه لازم دارد یک اختیارات و حقوقی بدهیم که هم متخصص خوب بیاوریم و هم آنجا اداره بشود

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

حاج سید رضا (فیروز آبادی) - بنده ابتداء عرض میکنم که با هیچ قسم از اصلاحات مملکت مخالفتی نداشتم و ندارم. بلکه آرزویم این است که انشاء الله یک روزی بشود که این مملکت داخل در یک اصلاحات صحیحی بشود و اینمکت از اصلاحات استفاده ببرد اما متأسفانه

سالمات که ما متخصص میآوریم ولی در خارج که میرویم و تحقیق میکنیم می بینیم از آنها استفاده صحیحی نشده است و ضرر آنها بجهت ما زیاده بر نفعشان بوده است باین ملاحظات است که عرض میکنم ما باید متخصص کمتر از خارجه بیاوریم و در مواقع ضرورت هم اگر لازم شد که ما یک متخصص بیاوریم کسی باشد که استفاده به مملکت بدهد و همه هم ملتفت بشوند که این متخصص بمملکت استفاده داده است و الا یکی را از خارجه می آورند و ده هزار تومان بیست هزار تومان با حقوق میدهند و اینجا خرجهای دیگری میکنند بعد هم که گاو ناخوش میشود یک دوائی میزند که گاو میمیرد و نتیجه بعکس می بخشد (خنده نمایندگان) اگر این ترتیبات باشد بنده مخالف هستم و معتقدم اگر خواستید آدم بیاورید یک متخصصی باشد که نتیجه صحیح ازش گرفته شود که برفع مملکت تمام بشود.

نایب رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که مؤسسه پاستور یک مؤسسه جدیدی نیست که تازه در مملکت ما دایر شده باشد. این یک چیزی است که افتخار تصویب و توسعه آن را مجالس قبل برده اند (نمایندگان صحیح است) نهایت حالا که آن مدیر و متخصص سابقش رفته است میخواهند یک متخصص دیگر را بیاورند استخدام کنند و بجای او بگذارند و کاریکه فعلاً مدتی است معطل و معلق است بجزایان بیندازند (چنانچه آقای فرمند هم فرمودند) این متخصصین در همه جای دنیا طرف احتیاج و توجه هستند و اینها را حقیقه لازم دارند. در باب حقوق هم وزارت فوائد عامه آنقدری که برای تقلیل حقوق لازم بوده است صرف مساعی کرده است تا باینجا رسانیده است و این مسئله نیز باینسی فراموش شود در قضایائی که بین طرفین است حمله کردن معنی ندارد (نمایندگان صحیح است) و قضایائی است که میروند حرف میزنند و حل میکنند بین دو طرف کنتزات می بندند و تصمیم میگیرند و در اینجا می آید اصلاح میشود و این حقوق را هم که ما

میدهمیم یک چیز زیادی نیست و این شعبه هم یک شعبه فنی است و اشخاص غیر مطلع اگر در یک چنین امری دخالت بکنند باعث تضییع آن میشود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

نایب رئیس - مذاکرات کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود بشور در مواد

آقایانیکه موافقند قیام فرمایند

(اغلب قیام فرمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱ - مجلس شورای ملی بدوالت اجازه میدهد که

یک نفر متخصص بجهت مؤسسه پاستور از فرانسه بسمت

ریاست فنی و اداری مؤسسه مزبور و تربیت مستخدمین

فنی مؤسسه از قرار سالی پنج هزار تومان برای مدت

سه سال استخدام نماید

تبصره - شخص مستخدم مزبور را دولت فرانسه باید

تصدیق کند

نایب رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده اینجا که آمدم ناچار شدم

در تحت مخالفت بآماده اول یک اصلی را عرض کنم که

آقای فرمند توجه داشته باشند. ما حقیقه در یک

موضوعهائی در افراط و تفریط هستیم نماینده دولت

وزیر فوائد عامه، وزیر معارف، رفته اند و نماینده

دولت فرانسه صحبت کرده اند و این حق را هم خیلی خوب

دانسته اند آنوقت ما میگوئیم خیر باید زیاده پول بدهیم!

چرا؟ برای چه! برای اینکه ما دارای گنج باد آوری

شده ایم؟! خودش باین حقوق حاضر است و میگوید

من باین حقوق میآیم و آنجا را اداره میکنم، مرتب میکنم

(گفتن این حرفها در اینجا خوب نیست) فردا روزنامهها

مینویسند یک نفر نماینده در مجلس گفت که باید ما که

متخصص میآوریم نصف ایران را باو بدهیم....
فرمند... بنده کی چنین حرفی زدم. شما ملتفت نشدید.

آقا سید یعقوب - اولاً بنده با اینکه يك شخصی هستم که حسن عقیده ملت ایران را نسبت بدول مجاور و غیر مجاور میدانم. ملت ایران يك ملت صالح طلبی است و میخواهد با تمام ملل روی زمین روابط سیاسی و اقتصادی و معارفی پیدا کند. يك نکته را بنده ناچارم اینجا بگویم که متخصصینی که از دولت فرانسه میآوریم بدبختانه خیلی متأثرم که عرض کنم با اینکه ما بیشتر تعالیمان در فرانسه شده است متخصصین فرانسوی کمتر اینجا توانسته اند کار کنند. نمیدانم چه عرض کنم که محل تعرض فرنگی مآبها نشوم. آنها کمتر کار کرده اند حقیقه متخصصین امریکائی کار میکنند. متخصص از بلژیک آوردیم همین رئیس گمرک بلژیکی حقیقه کار میکنند البته بنده خیلی میل دارم که ایران بدست متخصصینی که می آیند ترقی کند اینرا ناچارم عرض کنم ما هر چه متخصص از فرانسه می آوریم نمیدانم با علم سرشاریکه دارند اینجا که می آیند چرا کار نمی کنند؟ بنده با اینکه متخصص برای مؤسسه پاستور بیاوریم موافقم و با اینکه يك کار اساسی برای مملکت است موافقم حیات مملکت و حفظ الصحه را هم تأمین میکنند. صحیه يك اداره است که خیلی مقدس است و خیلی مایلیم که در ایران بسط پیدا کند لیکن بنده عقیده ام این بود که این متخصص را از يك دولت دیگری بیاوریم که کار بکند. حالا هم امیدواریم که این بی عقیده گوی که بنده دارم بعد از اینکه این متخصص آمد مبدل بعقیده بشود یعنی کار بکند برخلاف سایر متخصصین که از آنجا آورده ایم و کار نکرده اند. بنده در نیت تأسف خواستم این نکته را یاد آوری کنم هم در مجلس و هم بنمایند وزارت خارجه که يك نفر نماینده که سوء عقیده دارد برای خاطر این است که متخصصین که آمده اند کار نکرده اند بعلاوه

خوبست ما خودمان را آنقدر فانی نکنیم هی بگوئیم ما علم نداریم. فلان چیز نداریم. ده ده ده نداریم. و یکنفر متخصص اروپائی با آمریکائی که آورده ایم بکلی محو و نابود بشویم. علم هم داریم میخواهیم بیشتر عالم شویم. ادارات هم داریم میخواهیم اداراتمان اکتل شود نه اینکه آقای فرمند بگویند مدزکل بیاوریم

فرمند... بنده نگفتم آقای فرمند بودند

آقا سید یعقوب - اینجا صحبت از متخصص فنی است که این متخصص فنی بیاید در این مرکز در این محلی که برای پاستور است. نه اینکه سمت مدیر کلی باو بدهیم. ما اینجا از متخصص فنی صحبت میکنیم که بیاید در اینجا کار کند و امید واریم با این ترتیبی که کیسیون بودجه در نظر گرفته است که دولت فرانسه، اداره انستیتوپاستور فرانسه این شخص را در نظر بگیرند انشاءالله این شخص برخلاف دیگران يك عملیات خوبی بکنند.

شیروانی (مخبر کمیسیون بودجه) عرض کنم چون ارادت بنده نسبت با آقای آقا سید یعقوب حتمی است این است که جواب ایشان را بنده تعهد میکنم....
زوار - همه ارادتمندند.

مخبر - اساساً يك فکری کم کم در بین ما ها پیدا شده است که ما احتیاج بمتخصص خارجی نداریم و حتی الامکان باید سعی بکنیم که متخصص از خارجه بیاوریم و صرفه جوئی کنیم برای مملکت و بالاخره ایران را بی نیاز میدانند از اینکه متخصص از خارج بیاورند. شاید بخینال اینکه سایر ممالک متمدنه که خودشان متخصصینی دارند هیچوقت از ممالک دیگر متخصص جلب نمی کنند. این را بنده میخواستم عرض کنم که يك فکر اشتباهی است زیرا جلب متخصص (نه از نقطه نظر آبرویی و نه از نقطه نظر مالی و نه از نقطه نظر حیثیتی) بهیچ مملکتی بر نمیخورد که از يك مملکت دیگر متخصص بیاورد در تمام ممالک اروپا که همه شان

در درجه اول تمدن هستند غالباً برای کارهای خودشان از مملکت دیگر جلب متخصص میکنند. مخصوصاً قسمت انستیتوپاستور که شاید یکقسمت عمده از ممالک دنیا برای این فن از فرانسه جلب متخصص می کنند و مملکت فرانسه همانطور که پیشقدم بوده است در این فن و افتخار تولید این فن را برده است همینطور هم در تکمیل آن نسبت بسایر ممالک جلو افتاده است این است که غالب ممالک برای اینکار از فرانسه متخصص میآورند و اما راجع بلزوم این قبیل متخصصین مخصوصاً اشاره عرض بنمایند محترم طهران آقای فیروز آبادی است که همیشه اینطور صحبت میکنند که ما لازم نداریم بنده میخواستم از ایشان استدعا کنم در مواقعی که کنترانهای متخصصین می آید به مجلس قبلاً در کمیسیونهای مربوطه این کار حاضر شوند يك توضیحاتی بخواهند چون میدانم ایشان از روی حسن عقیده این اظهار را میکنند ولی ممکن است يك قدری اطلاعاتشان ناقص باشد تشریف بیاورند در کمیسیونهای مربوط. با تشریف ببرند در اداره مربوطه این کار و از مطلعین فنی تحقیق بکنند آنوقت اگر خود ایشان تصدیق فرمودند که جلب يك متخصصی لازم است در هر مورد که يك کنترانه در مجلس مطرح میشود مخالفت ننمایند و اگر دیدند لازم نیست با ایران متخصص در فن انستیتوپاستور دارد یا اینکه عجالتاً تلقیح سرم و وا کسن و آبله کوبی و بالاخره میکروپ شناسی در این مملکت لازم نیست و باید مردم همینطور نقله بشوند و از بین بروند (اگر نظرشان این است) بفرمایند خیر متخصص لازم نداریم و الا يك مملکتی که لازم شد در دنیا زندگی کند و فهمید در درجه اول باید حفظ الصحه خودش را حفظ کند. در اول امر باید زنده بود و بعد برای زندگی حرف زد، اول باید دید که اهالی فیروزآباد و غار و فشافویه همه شان مالاریا دارند یا نه باید دید آیا باید آنها را معالجه کرد یا نه؟ اینها را باید اول معالجه کرد و بعد فکر پول برایشان کرد.

وقتی يك نفر دارد میمیرد اول باید معالجه اش کرد بعد برایش فکر کار کرد بالاخره يك مملکتی را میشود ویران گذاشت آقا ما متخصص در این فن نداریم ممالک دیگر هم در این فن آن اندازه جلو نیستند و مملکت فرانسه در این فن هم اقدم بر سایر ممالک است و هم نسبت بسایر مستشارانیکه آورده ایم ارزانتر با ما سلوک کرده اند و بهتر هم استفاده داده اند. نماینده محترم آقای آقا سید یعقوب فرمودند ما متخصصینی که از فرانسه آوردیم بقدر سایر ممالک استفاده نکردیم، بنده خیال میکنم یا فراموش کرده اند یا خواستند بی لطفی بفرمایند، بعقیده بنده تمام متخصصینی که از فرانسه آوردیم بیشتر از سایر متخصصین که از سایر جاها آورده ایم بما استفاده داده اند مدرسه دار الفنون، مدرسه طب، مدرسه حقوق و بالاخره آن مؤسساتیکه در معارف مملکت تأثیر دارد و در مقدرات آئیه يك مملکتی دخالت دارد اینها بدست متخصصین فرانسوی اداره شده است. همین مالیه ای که امروز داریم (بنده با ایشان هم عقیده هستم و حسن عقیده به متخصصین امریکائی دارم) فراموش نفرمائید که نقشه اصلاحش را مسیو بیزو که يك نفر متخصص فرانسوی بود ریخت و شاید خیلی قوانین هم هنوز از آثار اوست که باقی است پس اجازه میفرمایند که خدمتشان عرض کنم اگر فرانسویها بیش از سایر متخصصینی که از سایر ممالک آورده ایم خدمت نکرده باشند کمتر هم نکرده اند. البته ما هم خوب از آنها پذیرائی کرده ایم و همانطور که فرمودند با يك حسن عقیده نسبت بسایر ملل رفتار کرده ایم. این فرمایشات آقا صحیح است ولی در عین حال از آنها هم کمتر از سایرین استفاده نکرده ایم و اگر مملکت ما از حیث ترقی و تمدن مساوی بشود با تمام ممالک متمدنه دنیا باز هم ممکن است برای يك روزی احتیاج پیدا کنیم و متخصص از خارجه بیاوریم. اما قسمت مدیریت که نماینده محترم فرمودند این متخصص مدیر نیست ریاست فنی دارد و يك مؤسسه که آنها فنی است بعهده این شخص است ابدأ

مدیریت کل ندارد یعنی این مؤسسه باید رئیسش يك نفر آدم فنی باشد یعنی در مسائل فنی و در میکروپ شناسیش دخالت کند ولی سایر کارهای مربوط با اداره را يك نفر غیر متخصص و کسی هم که اطلاع از انستیتوپاستور نداشته باشد اداره کند و اینجا بعقیده بنده سوء استفاده میشود و بالاخره دور رئیس خواهیم داشت يك رئیس ایرانی و يك رئیس خارجی. اینجا صحبت رئیس اداره نیست ریاست يك مؤسسه فنی است که ما میخواهیم بدست یکنفر عالم این فن اداره شود و چون مقدماتی در این مملکت فراهم شده شاهزاده فرمانفرما يك محلی برای اینکار ساخته و مبلغی پول برای اینکار خرج کرده است دولت هم باید کمک کند، مجلس هم البته باید کمک کند، سایر مردم هم بایستی ناسی نمایند و حقیقه بعقیده بنده این يك مؤسسه ایست که مهم ترین خدمات را بمملکت می‌کند و ما باید زودتر متخصصش را بیاوریم و استفاده کنیم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

نایب رئیس - پیشنهاد آقای عراقی قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم لفظ اداری از ماده اول لایحه پاستور برداشته شود

نایب رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده توضیح مفصلي در این باب ندارم بعد از فرمایشات آقای مخبر ولی لفت اداری که اینجا هست مینویسد (یکنفر متخصص بجهة مؤسسه پاستور از فرانسه بسمت ریاست فنی و اداری مؤسسه مزبوره) و قسمت اداررا که اینجا مقابل با فنی انداخته اند تصور نمیکنم مراد از اداری هم (فنی) باشد. اداری چیزهایی است و کارهایی است که می بینیم رؤسای ادار بمان می کنند مثلاً یکنفر را پیشنهاد میکند ارتقاء رتبه بدهید یا پیشنهاد میکند از فلانجا بفلانجا بفرستید چون بنده از این لفت اداری این را تصور میکنم این است که تقاضا میکنم کله (اداری) از اینجا برداشته شود و خیال نمیکنم

نایب رئیس - آقای مخبر

مخبر - بسته بنظر مجلس است

نایب رئیس - رای میگیریم - آقابانیکه با این

پیشنهاد موافقت قیام فرمایند

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید؟

(عده قیام نمودند)

فیروز میرزا - يك نفر مخالف باید حرف بزند.

نایب رئیس - تصویب نشد.

مخبر - در قسمت اداره صحیه در يك قانون دیگر

مجلس تصویب کرده است قانون روی قانون که ما نمیتوانیم

تصویب نمائیم - در قسمت اصلاحاتی هم که فرمودند چندین

تفاوتی با ماده نداشت جز اینکه ترتیب مستخدمین را حذف

فرموده بودند در صورتیکه این قسمت لازم بود

نایب رئیس - پیشنهاد آقای بهار

(بمضمون آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده اول بدینطریق نوشته شود:

ماده اول - مجلس شورایی ملی بدولت اجازه می

دهد که يك نفر متخصص بجهة مؤسسه پاستور از فرانسه

بسمت ریاست فنی و اداری مؤسسه مزبوره و ترتیب مستخدمین

فنی مؤسسات پاستور و دفع آفات حیوانی از قرار سالی

پنج هزار تومان الی آخر.

بهار - عرض کنم که پیشنهاد بنده مربوط میشود

بيك قسمت اشکالی که در تجزیه مؤسسه دفع آفات

حیوانی از مؤسسه پاستور برای خود بنده پیدا شده

است - این پیشنهاد را برای این دادم که اشکال خودم

را عرض کنم و در ضمن توضیحاتی که آقای وزیر فرائد

عامه یا مخبر میدهند یا رفع این اشکال بشود یا بالاخره يك

وجه حلی بدست بیاید - اساساً مؤسسه پاستور در حال

حاضر با احتیاجات فعلی که در مملکت ما از برای دفع

آفات حیوانی پیش آمده است شغل عمده آن و کار مهمی

که امروز باید بکند قسمت ساختن سرم و واکنش است و بالاخره اصلاحاتی که راجع بدفع آفات حیوانی باید منظور بشود بنده نمیدانم بجه فلسفه بجه علت این دو عمل این دو اداره از هم تجزیه شده است زیرا مؤسسه پاستور کار و فایده اش این قسمت است که در دفع آفات نباتی و حیوانی در سایر قسمتها از قبیل آبله کوبی و تهیه سرم و واکنش کار کند - علت اینکه مؤسسه پاستور باید جزء يك اداره باشد و دفع آفات حیوانی جزء يك وزارتخانه دیگر و يك لایحه بمجلس بیاوریم رئیس فنی از فرانسه برای مؤسسه پاستور استخدام کنیم و لایحه دیگر بیاوریم و يك معلم فنی از برای دفع آفات حیوانی از آمریکا استخدام کنیم چیست؟ این اختلاف و تجزیه!

به عقیده بنده فلسفه نداشته است و ندارد لهذا بنظر بنده اینطور رسید که از برای صرفه جوئی و از برای اینکه بهتر کار مؤسسه دفع آفات اداره بشود و مؤسسه پاستور هم يك معنویت زیاد تری پیدا بکند اگر بشود در اینجا ما یکی از وظایف معلم فنی متخصص مؤسسه پاستور را ترتیب مستخدمین فنی برای مؤسسه پاستور و برای مؤسسه دفع آفات بشناسیم که بالاخره محتاج نشویم يك مستخدم دیگری هم یا از آمریکا یا از فرانسه یا از جای دیگر برای دفع آفات به طلبیم و استخدام کنیم این به عقیده بنده اگر اشکال نداشته باشد از نقطه نظر تجزیه شدن این دو اداره و بالاخره قابل قبول و قابل توجه بشود بعقیده بنده يك صرفه جوئی است و مالی نیاز خواهیم شد از خواستن يك نفر مستخدم برای اداره دفع آفات حیوانی نظر بنده این بود پیشنهاد بنده در

قسمت ریاست اداری و ریاست فنی توجه پیدا نمیکند پیشنهاد مربوط بقسمت نانی است که راجع بترتیب مستخدمین فنی است و اینطور نتیجه خواهیم گرفت که این قسمتهای کلی که در اداره دفع آفات بایستی طرف توجه قرار بگیرد یعنی تعلیم و تربیت اطباء برای ساختن سرم و واکنش و تربیت اطباء و مامورین برای اینکه بتوانند سرم و واکنش را بکاوها و حیوانات مبتلا تریق نمایند تهیه این اشخاص که بعد منتقل میشوند بمؤسسه دفع آفات حیوانی ترتیب و تهیه اینها و بالاخره

تهیه سرم ها و آمپولها تحت نظر مستخدم فرانسوی باشد که ما امروز استخدام میکنیم - این نظر چندین خرج را از گردن ما بر خواهد داشت اولاً دیگر محتاج نخواهیم شد با استخدام يك نفر امریکائی یا غیر امریکائی برای مؤسسه دفع آفات - ثانیاً تهیه سرم و واکنس مرکزیت پیدا میکنند در يك نقطه باسم مؤسسه پاستور - چون البته خاطر آقایان مسبوق است که تهیه این قبیل آمپولها و سرم ها یکی از مسائل فوق العاده علمی و خیلی طرف احتیاط است زیرا این ترتیب میکروب شناسی و جمع آوری و تهیه میکروهای مختلفه کار دقیقی است و کاری نیست که بشود در هر گوشه مملکت ادارائی تهیه کرد و بدست اشخاص بی سابقه کم اطلاع داد و هر چه مرکزیت پیدا کند این قضیه اقرب با احتیاط است . چون در این قضیه احتیاط را باید بیشتر مراعات کرد حالا در اینجا اگر اشکالی نباشد از حیث مداخله دوائر در یکدیگر و از نقطه نظر فنی و علمی بشود این را در تحت انتظام درآورد بعقیده بنده اصلاح است که ریاست فنی و اداری مؤسسه پاستور را این شخص داشته باشد ولی در عین حال تهیه مستخدمین برای مؤسسه دفع آفات و تهیه سرم و واکنس از برای حیوانات که در نقاط مختلفه امروز تهیه میشود آنها مرکزیت پیدا کند در خود مؤسسه پاستور و اعتباری هم که دولت برای اینکار میدهد در تحت نظر خود مؤسسه پاستور این اعتبار بصرف برسد و بالاخره قسمت علمی مؤسسه دفع آفات در مؤسسه پاستور مرکزیت پیدا کند .

مخبر - عرض کنم پیشنهاد نماینده محترم آقای بهار اگر عملی میشد از نقطه نظر صرفه جوئی يك پیشنهاد خیلی خوبی بود ولی اتفاقاً هم در کمیسیون فوائد عامه و هم در کمیسیون بودجه راجع باین موضوع یعنی نظیر این موضوع خیلی صحبت شده است . بالاخره چون برای مؤسسه دفع آفات حیوانی ما محتاج هستیم به یک نفر بیطار و آرا کمیسیون بودجه و دولت صلاح دانسته اند که از آمریکا استخدام کنیم . در آنجا گفته شد که چون ما می توانیم از مالک

مستقیم داد داریم که میگوئیم چرا اینقدر مترجم استخدام میکنیم آنوقت مترجم غیر مستقیم هم میخواهیم که از انگلیسی بزبان فرانسه ترجمه کند و بالاخره راهش این است که متخصص زیر دست آن کسی که رئیس اداره است از نژاد او و همزبان خودش باشد . بعلاوه این قبیل متخصص در آن جا بواسطه کثرت امراض زیاد تر است اما اینکه فرمودند باید هر دو اداره را یکی کنیم و یک نفر متخصص بیاریم که از هر دو رشته اطلاع داشته باشد بنده اطلاع ندارم که آیا اساساً ممکن است برای این دو رشته متفاوت تخصصی استخدام کنیم که هر دو رشته را بداند یا نه ؟ شاید هم باشد ولی این شخصی را که ما فعلاً میخواهیم استخدام کنیم از امراض حیوانی اطلاع ندارد فقط يك چیز را نماینده محترم میتوانند پیشنهاد کنند و اگر بخواهند در آن زمینه پیشنهاد کنند ممکن است با آن موافقت شود و آن این است که سرمهائی که مؤسسه دفع آفات حیوانی لازم دارد مؤسسه پاستور برای او تهیه نماید . اگر میل دارند در اینجا يك تبصره یا يك ماده اضافی پیشنهاد بفرمایند که سرمهائی که مؤسسه دفع آفات حیوانی لازم دارد مؤسسه پاستور تهیه کند . این ممکن است حالا شاید آقای وزیر فوائد عامه هم در اینخصوص توضیحاتی بدهند که نتواند درست کند و آنوقت باید لابراتوار و متخصص علیحده داشته باشیم . این را هم باز در جواب آقای عراقی عرض میکنم که مؤسسه پاستور اداره نیست . يك مؤسسه فنی است که باید يك نفر رئیس داشته باشد هم از نقطه نظر اداره کردن داخلی و هم از نقطه نظر مصالح مملکت

جمعی از نمایندگان - کافی است .

وزیر فوائد عامه - بنده خیلی مختصر عرض میکنم . چون یک قدری دیر شده است . این سرم سازی دفع آفات حیوانات آنقدر کار مشکلی نیست . همین مؤسسه پاستور که ما داریم یاد جماعتی داده . آنها هم یاد گرفته اند و

الان هم میسازند اشکالی که دارد تمرکز دادن باین امر است که سرم گاو که باید بگاو دیگر بکوبند این گاو میخواهد . الان در ساری شاید صد و هشتاد گاو دوست گاو داشته اند و دارند که اینها را باید ناخوش کنند و بعد بتدریج از شان خون بگیرند و سرم بسازند و هر کس هم که بازده روز این کار را کرده باشد میتواند . مسئله مشکلی نیست مثل اینکه الان جماعتی یاد گرفته اند و در ساری هم هستند و گاو هم دارند و مشغول عملیات هم هستند و سرم هم میکوبند . بنده به سرم انسان کار ندارم ولی مسئله سرم گاو يك چیزی است که متعسر است آن مقداری که در مملکت لازم است در يك نقطه بسازند . ناگزیر است مراکز مختلفه باید داشته باشد . در آذربایجان در خراسان ، فارس ، طهران ، خصوصاً حالا در مازندران و استرآباد ، و بنده امیدوارم که لایحه اعتبارش هم در جلسه آتی بگذرد که اصلاً بشود يك کاری کرد !

نایب رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقای بهار . آقایان موافقین قیام بفرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد

بعضی از نمایندگان - ختم جلسه

نایب رئیس - پیشنهاد آقای امیر تیمور .

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ماده اول بطریق ذیل اصلاح بشود :

تبصره - تخصص مستخدم مزبور را دولت و مؤسسه پاستور فرانسه باید تصدیق نمایند .

امیر تیمور - بنده تصور میکنم که در اینجا تنها

تصدیق دولت فرانسه کافی نیست زیرا ممکن است دولت فرانسه در تحت يك قضایای خصوصی بکنفرانرا برای مؤسسه پاستور ایران انتخاب کند ...

(همه نمایندگان)

بعضی از نمایندگان اینجورها چه چیز است؟! امیر تیمور -- این است که بنده معتمد بعد از کله (دولت فرانسه) (مؤسسه پاستور فرانسه) هم اضافه شود. هو و جنجال هم لازم ندارد و ضرری هم ندارد که دولت فرانسه و مؤسسه پاستور فرانسه هر دو تماماً تصدیق کنند وزیر فوائد عامه -- اگر نماینده محترم قسمت آخر مطلبشان را در اول گفته بودند لازم بتوضیح نبود ولیکن چون قسمت اول حقیقه نباید در يك مجلس و در يك پارلمانی نسبت بيك مملکتی مثل فرانسه گفته شود (بعضی از نمایندگان -- صحیح است) این است که بنده این توضیح را میدهم البته ایشان هم نیتشان این بود که دولت فرانسه با تصدیق مؤسسه پاستور خودش بکنفر را معین کند همینطور هم تقاضا شده است و اگر مطلب را مقدم و مؤخر گفته بودند محتاج باین توضیح نبود.

نایب رئیس -- رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.
(عده قیام نمودند)

نایب رئیس -- رد شد. پیشنهاد آقای دکتر رفیع خان
(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که تبصره اینطور اصلاح شود:
تبصره -- متخصص مزبور باید از طرف مؤسسه پاستور پاریس معرفی و قبل از کتیرات اسناد و مدارك علمی و فنی خود را بوزارت فوائد عامه ارائه داده تا پس از تحقیق کتیرات شود

نایب رئیس -- آقای دکتر رفیع خان
دکتر رفیع خان (امین) -- عرض میشود در اینکه مؤسسه پاستور منافع زیادی دارد حرفی نیست بنده هم لازم نیست توضیحات زیادی در این خصوص بدهم زیرا توضیحات بقدری که باید داده شده است ولیکن عرض

بنده را معرفی بکنند که آن مؤسسه همان دارالفنون علمی است و این تنها کافی نیست و باید اسناد را ارائه بدهم این است که بنده پیشنهاد کردم که باید این شخص را انستیتو پاستور معرفی بکنند مثل اینست که دولت فرانسه معرفی کرده است و البته وقتی که مؤسسه پاستور معرفی میکند کتبکلم و بته (Curriculum vitae) یعنی شرح زندگانی این شخص را از الف بائی که دیده است در فلان سال کجا بوده است و چه قدر تحصیل کرده است مینویسد و اسنادی که دارد تمام را بما معرفی میکنند از اینجهت بنده این پیشنهاد را کردم دیگر بسته است بنظر آقایان نایب رئیس -- آقای اعتبار

میرزا سید احمدخان اعتبار -- بنده خیلی متأسفم که يك عرايضی باید در مقابل آقای دکتر رفیع خان که اطلاعات کامل دارند بکنم: عرض میکنم مطلب خیلی واضح است و فارسی است تخصص مستخدم مزبور را باید دولت فرانسه تصدیق نماید. ما اگر تشکیلات مملکت خود مان را به بینیم تصدیق میکنیم که تشکیلات مملکت فرانسه کمتر از تشکیلات مملکت ما نیست زیرا وقتی که يك متخصص برای يك فن مخصوصی خواسته میشود البته دولت فرانسه یا هر دولتی که باشد مراجعه بآن اداره میکند که این متخصص مربوط بآن اداره است و نظریات آن اداره را جلب میکند بعد از آنکه آن اداره تصدیق کرد و آن دولت اطلاعات کامل شد آنوقت تصدیق میکنند. دیگر اینکه اعتراض کردند نسبت بدکتر منار در صورتی که بعقیده بنده این اعتراض وارد نبود و دکتر منار در مملکت ایران خدماتی کرده و یادگاری هائی گذاشته و نباید منکر باشیم و بایستی منظور داشت و راجع باین متخصص هم بنده تصور میکنم که تصدیق دولت فرانسه کافی است برای اینکه دولت فرانسه بعد از آنکه نظریات مؤسسه پاستور را جلب کرد آنوقت بما معرفی میکند.

مخبر -- عرض میکنم در تکمیل فرمایشات نماینده محترم باید خاطر محترم آقای دکتر را مسبق کنم که قسمت ثانی پیشنهاد ایشان نسبت بنام متخصصینی که ما جلب میکنیم عمل میشود بالاخره هر متخصصی را که ما میآوریم باید اسناد

و مدارك او را بخواهیم و این تبصره را کمیسیون بودجه در این قانون گنجانیده است و لایحه دولت هم يك همچو تبصره نداشت و علاوه بر اینکه ما دیپلم و اسناد علمی او را می بینیم تصدیق رسمی دولت فرانسه را هم می بینیم و دولت فرانسه هم البته تصدیق میفرماید که بيك نفری که دارای اسناد کافی نباشد تصدیق نمیدهد و قبول مسؤلیت نمینماید. البته بيك نفری که مدرسه او و مؤسسه او تصدیق تخصص او را کرده باشد بيك دولتی هم که تصدیق میکنند در حقیقت تضمین میکنند. ما هم که این تبصره را نوشتیم تصدیق میکنیم که مقصود این است که دولت فرانسه تضمین بکنند که این شخص متخصص است یعنی بيك مؤسسه غیرمسئولی را تبدیل کرده ایم بيك مؤسسه مسئول (یعنی دولت) و بنده تصور میکنم که اصلاً بقسمت ثانی پیشنهاد ایشان نشود رای گرفت برای اینکه این مقصود منظور میشده و اگر مجلس رد بکنند یا قبول بکنند معنایش این میشود که نسبت بسایر متخصصین ما نباید اسنادشان را به بینیم و اسناد همین بيك نفر را باید به بینیم در صورتیکه این وظیفه دولت است و باید اسناد تمام متخصصین را به بینیم چنانچه سابقاً هم دیده است. بعد در قسمت دکتر منار هم که ایشان اظهاراتی فرمودند بنده نمیدانم که ایشان در کجا تشریف داشتند ما که در ایران بودیم می شنیدیم که دکتر منار یکی از بهترین متخصصین است که خدماتی هم باین مملکت کرده است.

نایب رئیس -- رای گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند)

نایب رئیس -- قابل توجه شد. پیشنهادات دیگری هم رسیده است که مراجعه بکمیسیون میشود.
بعضی از نمایندگان -- ختم جلسه

نایب رئیس -- جلسه ختم میشود. جلسه آتیه روز یکشنبه سه ساعت قبل از ظهر. دستور بقیه دستور امروز (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)